

SHI'A CLERGY AND IRANIAN STATE

<http://www.ghandchi.com/345-Clergy-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/345-ClergyEng.htm>



روحانیت شیعه و دولت در ایران

سام قندچی

طی بیش از یک ربع قرن، عدم وجود دموکراسی در رژیم شاه، از شکل گیری سازمان های سکولار در ایران جلوگیری کرد، و جمهوری اسلامی، در طول بیش از یک ربع قرن پس از انقلاب 1357، همچنین از توسعه سازمانهای سیاسی سکولار در ایران ممانعت کرده است. روحانیت که تشکیلات سنتی خود را داشت، بدون رقیبی قوی، توانست بر احوالی ایران را پس از انقلاب 1357 تحت سلطه خود گیرد، زمانیکه رژیم شاه از هم پاشیده بود.

شاه میبایست که ساختار سیاسی ایران را مدرنیزه میکرد، اگر که میخواست دولت خود را حفظ کند، و سنگ بنای آن مدرنیزاسیون هم، حمایت از دموکراسی بود، که شاه را با آن میانه ای نبود. روحانیت شیعه نیز با سکولاریسم در ستیز بود، و یابن خاطر، روحانیون به مخالفت با حتی سکولاریسم جزئی انقلاب سفید شاه برخاستند.

شاه نیز به عوض آنکه در پاسخ به روحانیت، سکولاریسم کامل را به پیش راند، و آنرا با دموکراسی عجین کند، هر چه بیشتر به روحانیون امتیاز داد، و از طریق عقب نشینی سکولاریسم، سعی در راضی کردن روحانیون کرد، و همزمان با تمام نیرو به سرکوبی تشکیلاتهای سکولار پرداخت. دستگیری، شکنجه، و اعدام شخصیت ها و رهبران سکولار، نظیر دکتر مصدق و دکتر حسین فاطمی، تا آخرین روزهای رژیم شاه ادامه یافت.

اما امتیاز به روحانیت، رژیم شاه را نجات نداد، و فقط کمک کرد که جانشین رژیم وی، یک تئوکراسی قرون وسطایی شود، و نه یک دموکراسی مدرن. شاه در سرکوب جنبش دموکراتیک ایران موفق بود، سرکوبی که باعث جلوگیری از افزایش رشد سکولاریسم در دولت ایران شد، سکولاریسمی که سالها پیش از شاه و سلطنت پهلوی، در زمان جنبش مشروطه ایران، شکل گرفته، و در زمان رضا خان ادامه یافته بود.

در زمان شاه، روحانیت شیعه مقام از دست رفته خود را باز یافت. این یک حقیقت است که نقش روحانیت در دولت ایران، چیزی نیست که در رژیم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده باشد، و متأسفانه این حقیقت هنوز از طرف بسیاری از سلطنت طلبان درک نشده است، که از قانون اساسی 1906 دفاعی میکنند، قانونی که وتو 5 مجتهد شیعه را، برای آنکه هر قانونی به قانون کشور تبدیل شود، شرط لازم شمرده، و مذهب شیعه را دین رسمی ایران اعلام میکند.

حضور پر قدرت روحانیت شیعه در قوه قضائیه دولت ایران، قبل از جمهوری اسلامی، در تمان دوران سلطنت پهلوی، حتی در زمان رضا شاه بوده است، و این امر بزرگترین مانع در برابر رشد سکولاریسم در ایران بوده است، و این واقعیت از سوی اپوزیسیون ایران اساساً مورد توجه قرار نگرفته است. متأسفانه اکثر گروه های اپوزیسیون ایران هنوز نمی بینند که وقتی یک عضو روحانیت شیعه در هرم قدرت مذهب تشیع صاحب مقام است، و خمس و زکوة دریافت میکند، با داشتن مقام دولتی و عرفی، در تضاد منافع قرار میگیرد.

سال گذشته من رساله مفصلی درباره **سکولاریسم** نوشتم و در آن توضیح دادم که چرا روحانیون شیعه تا زمانی که در تشکیلات مذهبی مقامی با کسب منافع نظیر خمس، زکوة، و یا عواید موقوفات نظیر آستان قدس رضوی دارند، بایستی از

مقامات عرفی و دولتی در هر سه قوه در دولت آینده ایران کنار گذاشته شوند، و من این شرط را موضوع کلیدی برای تضمین سکولاریسم در قانون اساسی آینده ایران قلمداد می‌کنم.

همانگونه که مفصلاً در آن رساله توضیح داده ام، من معتقد نیستم که کسی بخاطر مذهبی بودن، از احراز مقام دولتی حذف شود. اما مذهبی بودن، یا حتی قبلاً روحانی بودن، با داشتن مقام همزمان در تشکیلات شیعه متفاوت است. یک روحانی سابق میتواند نظیر یک مقام نظامی باز نشسته تلقی شود، اگر دیگر در تشکیلات شیعه مقامی نداشته باشد.

داشتن مقام در تشکیلات مذهب تشیع، یعنی بهره جستن از دریافت خمس، زکوه، و اعانات مذهبی، و سود بردن از موقوفاتی نظیر آستان قدس رضوی مشهد، که منابع مهم درآمدی در هرم قدرت شیعه هستند، و دولت بایستی از آن عواید روحانیون، بمثابه درآمد تشکیلات شیعه، مالیات بگیرد، و نه بالعکس روحانیون از تشکیلات دولت برای کسب عواید مذهبی بیشتر سود بجویند.

مقامات تشکیلات مذهبی که از عواید اسلامی بهره میبرند، و تا زمانیکه مقامهای خود در تشکیلات شیعه را حفظ کنند، و از آن منابع درآمدی سود کسب کنند، نیابستی اجازه یابند که در هیچیک از سه قوه قضائیه، مجریه، و مقننه دولت، مقامی احراز کنند.

نگاهی کنیم به حکومت قانون تحت جمهوری اسلامی، که رفرمیست های جمهوری اسلامی، بعنوان دموکراسی اسلامی ارائه کرده اند. خاتمی و پشتیبانان وی توهمی را خلق کرده اند، که گوئی دموکراسی یعنی حکومت قانون، که من قبلاً در نوشتار [دموکراسی حکومت مردم نیست، قضاوت مردم است](#)، مفصلاً پاسخ داده ام.

من نشان دادم که در شرایط عدم وجود، یا نابودی موسسات قضاوت مردم، نظیر وضعیت متعاقب از بین رفتن جمهوری وایمار در آلمان، دیگر حکومت قانون معادل دموکراسی نیست، و این یک توهم است که چنین حکومت قانون را، برابر دموکراسی تصور کنیم.

در نتیجه در شرایط کنترل موسسات اصلی سیاسی و اجتماعی بوسیله روحانیت شیعه، حکومت قانون بمعنی دموکراسی نیست، چرا که موسسات قضاوت مردم مسدود هستند.

بسیاری از سلطنت طلبان برای سقوط شاه، آمریکا و انگلیس را متهم میکنند. درست است که آمریکا در سال 1357، از نتیجه اجتناب ناپذیر دفاع کرد، چرا که روحانیت تنها نیروئی بود، که تشکیلاتی برای حکومت کردن بر ایران را، در زمان سقوط سلطنت در دست داشت، بخاطر آنکه شاه جنبش سکولار را قبل از انقلاب، برای 30 سال نابود کرده بود.

تا آنجا که به آمریکا مربوط میشود، حتی پس از 11 سپتامبر، با روحانیت از دو طریق متضاد رفتار میکند، بسته به منافع آمریکا در هر زمان معین، و نیز بسته به اوضاع بین المللی.

از یک طرف آمریکا نه تنها در مبارزه اش با شوروی در گذشته، بلکه حتی امروز، سعی در راضی کردن اسلام گرایان میکند، وقتی آن تاکتیک را مناسب ببیند، آنگونه که در افغانستان انجام داد، که از دولت جدید با عنوان اسلامی پشتیبانی کرد، و این تصمیم، مدتها قبل از تشکیل لویه جرگه گرفته شده بود.

از سوی دیگر، آمریکا از نیروهای تروریست در خاورمیانه فاصله گرفته است، این نیروها بیشتر و بیشتر از تروریسم برای گذاشتن فشار بر روی آمریکا، و مقابله با نیروهای مترقی و منافع غرب، استفاده میکنند.

در نتیجه لازم است دید که چگونه توسعه واقعی اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه تطور مییابد، و نه آنکه وقایع را بر مبنای سیاست آمریکا توضیح داد. هم اسلامگرایان خاورمیانه و هم نیروهای ناسیونالیست افراطی غرب، میخواهند که توسعه جهانی فراصنعی را مسدود کنند.

حتی تراژدی **11 سپتامبر** و خیزش اسلامگرائی در خاورمیانه، ناپیستی جدا از واقعیت پاسخ نیروهای واپس گرای ماقبل صنعتی به بحران جامعه صنعتی، نگریسته شود. دوباره خاطر نشان کنم که این ها همه نتیجه عدم رشد موسسات قضاوت مردم تحت رژیم شاه در ایران، و تحت دیکتاتورهای دیگر در کشورهای دیگر خاورمیانه است که به رها شدن عرصه برای روحانیت شیعه انجامیده است، زمانیکه مسجد به تنها نقطه تجمع مردمی تبدیل شد.

موضوع روحانیت شیعه، از طریق روشنفکران شبه پروتستان، که خواهان پایان نیاز مذهب شیعه به وجود روحانیت هستند، نیز حل نخواهد شد. و نه اینکه همه منقدین سلسله مراتب هیراتی روحانیت شیعه، سکولار و دموکراتیک هستند. در حقیقت اپوزیسیون شبه پروتستان شیعه میخواهد حضور روحانیت شیعه در دولت را محدود کند، اما این معنی اش سکولاریسم نیست، چرا که **دموکراسی اسلامی پلورالیسم نیست**.

مثلاً، یک گروه رادیکال اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، از طرف جمهوری اسلامی قتل عام شدند، و آنها بیشتر به موینتر در زمان لوئر شبیه بودند، اما در دگم اسلامی با اسلامگرایان شیعه هم فکرند. یا آقاجری، که بتازگی حکم مرگ در ایران گرفت و بعداً تغییر کرد، افکارش نظیر لوئر در اروپای قرن پانزدهم بود، که نظراتش بزیر سوال بردن نقش روحانیت کاتولیک به مثابه رابط بین مردم و خدا، وقتی که وی از رابطه مستقیم فرد با خدای خویش میگفت، که نتیجه نهایی اش برابر شدن روحانیون با مردم عادی بود.

اما در عین حال آقاجری، احترامی برای پلورالیسم قائل نبوده، و قتل شخصیت‌های غیر اسلامی را توجیه کرده و یا حتی حمایت کرده است. آقاجری و تشکیلات وی یعنی "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"، حامیان فتوای خمینی بر علیه سلمان رشدی بودند، و او از **میراث خمینی** پشتیبانی کرد، آنهم زمانیکه خود وی برای کفر گوئی و توهین به مقدسات اسلامی به مرگ محکوم شده بود، و در همان زمان تشکیلات "**سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی**" وی، در کنفرانس مطبوعاتی، پشتیبانی آن سازمان از فتوای خمینی برای قتل رشدی را مجدداً تأیید کردند، و آقاجری ساکت بود.

لوئر، نظیر آقاجری، خود یک مرد مذهبی دگم بود، که به کپرنیک، علم و راسیونالیسم، حمله کرد، حتی بیش از هم‌تایان کاتولیک خود. من زندگی تحت قدرت موینتر رادیکال، یا لوئر فناتیک را، چندان متفاوت با زندگی تحت قدرت پاپ نمیبینم. لوئر تنوری خورشید مرکزی کپرنیک را بر مبنای تورات و انجیل محکوم میکرد، و حتی بر عکس کلیسای کاتولیک، وی *همیشه* ضد بحث‌های خردگرایانه درباره مذهب بود، و قبول مسیحیت را تنها بر مبنای ایمان میطلبید، و نه بر مبنای تفکر خردگرایانه.

آنچه که باعث جنبش بزرگ پروتستان‌یسم شد، این نبود که موینتر یا لوئر کمتر دگماتیک بودند و یا با مذهب مخالف بودند. در واقع همان بزیر سوال بردن نیاز به روحانیت بود، که خشم کلیسای کاتولیک را برانگیخت. که به منازعات در باره اعتقادات مذهبی، با بهره جویی از استدلال، برای تعیین آنکه چه درست و چه غلط است، انجامید. در واقع با *وجود آنکه* پروتستانها با استفاده منطقی برای تصمیم در مورد مسائل مذهبی مخالفت کردند، در عمل آنها راه را برای مباحثه منطقی درباره مذهب، در یک جامعه بسته، باز کردند، در جامعه‌ای که بر مبنای، حقیقت غیر قابل تردید مذهبی، بنا شده بود. و بدینگونه رشد رفرماسیون به توسعه جامعه مدنی در اروپا یاری رساند.

جالب است که اسکولاستیک‌های کاتولیک، بیش از پروتستانها، بحث‌های منطقی درباره مسائل مذهبی میکردند، و بر توسعه بعدی راسیونالیسم در اروپا، بیش از هم‌تایان پروتستان خود تأثیر گذاشتند. ژرژویت ها، که تا امروز، نقش مهمی

در توسعه بحث خردگرائی در فلسفه غرب داشته اند، کاتولیک بودند و نه پروتستان (و البته در زمان انکیزاسیون هم بخشی از نیروهای تفتیش عقاید بودند).

امروز، ما وضعیت مشابهی را در ایران مشاهده میکنیم که از سوئی خیزش اندیشه سکولار و علمی با قدرت آغاز شده، و از سوی دیگر، رفرماسیون شبه پروتستان در جریان است، و هر دو جنبش نیاز به روحانیت را به چالش طلبیده اند، هر چند امثال آقاجری، حتی بیشتر تنگ نظر مذهبی هستند، تا همتایان محافظه کارشان. حتی **شریعی** که پیش کسوت امثال آقاجری بود، و هنوز هم از سوی روشنفکران ایران تحسین میشود، چندان متفاوت نبود.

وقتی که به برخورد پروتستانهای اسلامی با لیبرالیسم و اندیشه خردگرا بنگریم، نظرات آنها همانقدر تنگ نظرانه و فناتیک است، که نظرات روحانیت شیعه، که شبه پروتستانها ضدشان هستند. امروز دیگر قرن پانزدهم نیست که ملت ایران بدنبال پروتستانیسیم، بعنوان آلترناتیور تئوکراسی برود. حتی معلوم نیست که باصطلاح "رفرمیستهای" اسلامی از حذف روحانیت شیعه از قوه قضائیه پشتیبانی میکنند یا نه، و این موضوع در ایران پس از جمهوری اسلامی کلیدی خواهد شد، چرا که روحانیت پس از سقوط جمهوری اسلامی، شانسی برای حضور در قوه مجریه و مقننه نخواهد داشت.

جمع بندی کنم، راه حل مسأله حضور روحانیت شیعه در ایران، یک آلترناتیو شبه پروتستان از نوع مجاهدین یا آقاجری نیست، و تنها سکولاریسم کامل، راه ممانعت از سد واپسگرایی روحانیت شیعه برای ترقی ایران است. سدی که نه تنها تحت جمهوری اسلامی، بلکه در زمان مشروطیت و دوران پهلوی نیز صادق بود.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

5 شهریور 1383

August 26, 2004

این نوشته از فصل پنجم ویرایش جدید کتاب ایران آینده نگر است

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>